

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دکتور سید هاشم صاعد

۱۲۰۸.۱۰

درنگی بر :

برخی دریافت ها و رویداد های افغانستان در قرن بیستم

به کوشش سید ولید صاعد
چاپ دوم

انتشارات بامیان
لیموژ - فرانسه

به نام خدا

سخن ناشر :

قبله گاه معززم دکتور سید هاشم صاعد، سال قبل در پهلوی فعالیت های سیاسی و مبارزاتی ایشان، آرزو داشتند تا تاریخچه مبارزات سیاسی مردم افغانستان را در قید قلم بیآورند و به جامعه در خور نیاز ما تقدیم دارند و برای این آرزوی نیک شروع نوشتن و گرفتن نوت نموده بودند.

گرچه این کار و مأمول بزرگ از خامه و قدرت بینش يك فرد به دور می نماید ، ولی ایشان با تجربیات و دانش فراوان سیاسی و منحصت يك شخصیت علمی و دست اندرکار سیاست و مبارزه چندین دهه کشور در خور انجام این کار بودند . اما متأسفانه ، قسمی که يك تعداد از خوانندگان گرامی آگاهی دارند ، دکتور صاعد از مدتی نسبت مبتلا شدن به مریضی پارکینسون ، از تحقیق و مطالعه و نوشتن محروم گردیدند و با تأسف زمینه کار و تحقیق دوامدار برایشان میسر نگردید ، اما با این هم آرزو داشتند تا در صورت بهبودی وضع صحی ، روزی به این آرزو جنبه عملی ببخشند . اینک مدتها گذشت و با تأسف زیاد به شدت مریضی اضافه شده رفت . به این اساس وظیفه خویش دانستم تا به جمع آوری

یادداشت‌ها و نوشته‌های شان مبادرت ورزیده در صورت امکان اثر مختصرتری را که حاوی یادداشت‌ها و برداشت‌های شان از اوضاع رقت‌بار میهن، خاطرات مبارزاتی و چشم دید ایشان از چند دهه، اخیر مبارزات مردم افغانستان باشد تهیه و در دست چاپ بسپارم. انجام یک چنین کاری ساده و آسان نبود، زیرا هر نویسنده شیوه و طرز کار خودش را دارد که ترتیب و تنظیم اوراق و یادداشت‌های پراکنده، که گاهی واضح و گاهی هم بایک عنوان و به صورت بسیار مختصر انشاء گردیده بودند، باعث آن شد تا بخش زیاد یادداشت‌ها و عناوین را از این اثر حذف نموده تا در آینده تحت عنوان جداگانه به زیور چاپ آراسته گردند.

این اثر نه تنها از نقطه نظر اینکه تحلیل‌های علمی و برداشت‌های سیاسی نویسنده را به شیوه حق بینانه منحصی یک شخصیت علمی، سیاسی در خود گنجانیده، ارزشمند است؛ بلکه کلمات و اصطلاحات سیاسی، حقوقی و جملات بکر و زیبایی که در این کتاب به کار گرفته شده، به زیبایی و اهمیت این اثر افزوده است، به ویژه اینکه ایشان به صورت علمی علل عقب‌مانی‌های اجتماعی، اقتصادی جامعه ما را به وضاحت و تفصیل در این اثر و هم در نوشته‌های دیگر شان به بحث گرفته‌اند که برای خوانندگان عزیز خالی از دلچسپی نخواهد بود. بخش‌های مختلف این اثر موضوعات بکر و تازه را با خوانندگان در میان میگذارد و صفحات این کتاب مملو از احساس عمیق نویسنده به آزادی، پیشرفت و ترقی اجتماعی بوده و بی‌جا نیست که ایشان این اثر را به «جوانانی که تازه در پلکان اجتماعی پا نهاده و در زورق شکسته سیاسی دل‌به‌دریا زده‌اند»، تقدیم داشته‌اند. در اینجا قابل یادآوری میدانم که افتخار دارم با چاپ این اثر ارزنده کمک بسیار ناچیزی به قبله‌گاه دانشمندم که دست‌روزگار قلم‌توانا و زبان‌رسای شانرا نارسا و ناتوان نموده و هم خدمتی ولو کوچک به جامعه‌ای ادبی و سیاسی میهن خویش نمایم.

در پایان از استاد ادب و سخن، شاعر توانا و مبارز میهن‌محترم و اصف‌باختری که وقت گرانبهای شانرا وقف خواندن این اثر نموده و نظرات شانرا در باره مؤلف تحریرداشته و به زیبایی و ارزش این اثر افزوده‌اند جهانی سپاس و قدردانی می‌نمایم.

همچنان از دانشمند عالم و نویسنده توانا محترم داکتر صاحب رسول رحیم از صمیم قلب تشکر می‌نمایم که با وجود کار زیاد و مسؤلیت‌های بیشمار، مطالعه این اثر را پذیرفتند و با رایحه نظرات سودمند و پیشنهادات عالمانه‌شان بنده را کمک و یاری رسانیدند.

از حس‌نیت و همکاری‌های بی‌شایبه محترم انجنیر ابراهیم رهین هم ابراز امتنان و سپاسگذاری می‌نمایم که بنده را در تدوین این اثر تشویق نموده و از هیچ‌گونه مساعدت و یاری دریغ‌نورزیدند.

ولید صاعد

فرانسه اگست ۲۰۰۹

صعود تاریخ نگرانه استاد صاعد

در این سالیان پسین که شماری از آلوده دستان ابزار مقدس قلم را به مثابه آلت جعل و دروغ پراکنی و مسخ و فسخ تاریخ به کار میبرند ، چه زیباست که بخشی از سرگذشت کشور خویش را از زبان قلم رادمردی بخوانیم و بشنویم که دست پاك ، روان پاك و دامان پاك دارد و گذشته از این همه ستودگی های اخلاقی ، انسانیست دانشمند و همواره جوینده و پژوهنده و این رادمرد فرهیخته پروفیسور داکتر سید هاشم صاعد است .

پیشگام در علم و سیاست و استاد نامور "پوهنتون کابل" ، مردیکه در همه فصول زندگی خویش با غرور سازنده در برابر قدرت زیسته و در پیشگاه هیچ نیروی اهریمنی غاصب سر تعظیم فرو نیاورده است .

دانشمند فرزانه استاد صاعد در "پوهنځی حقوق" "پوهنتون کابل" گذشته از مباحث حقوقی و سیاسی ، منطق صوری و منطق وضعی تدریس نموده اند و در سالهای پاریس و پیرارین قلم شان در همین پهنه ها به جولان آمده است و این برای بار نخست است که استاد به بررسی رویداد های سیاسی چند دهه آخر سر زمین ما پرداخته اند .

دانشوران در باب اینکه تاریخ را چه سان باید نوشت اندیشه های متفاوت و در پاره ای از موارد ناهمگون بر جا گذاشته اند که در این چند سطر فشرده نمیشود بدانها پرداخت .

شیوه استاد صاعد در نگاشتن این دفتر به تعبیر «مارسل پروست» دست کشیدن بر دیوار حصار ظلمانی تاریخ است به امید آنکه راهی برای بیرون رفت از این دژ جادویی کشف شود .

در این دست سودن ، حس لامسه تاریخی استاد ایشان را رهنمون میشود به شناخت سرشت گروهی از آدمیان که در نمایشگاه تاریخ و به فرمان تاریخ باید در نقش هانی پدیدار شوند ، آنانیکه خود را در دهانه آتش فشان حادثه افکندند ، آرمان گرایان ، پیمان شکنان ، نامجویانیکه سیاست را نردبانی برای فراشدن بر بام شهرت می پنداشتند و آنانیکه به تعبیر فردوسی چپ آوازه افکنده بودند و به «راست» می رفتند .

در اینجا خود را به بیان این نکته نیز ناگزیر میدانم که من یعنی ناچیز ترین شاگرد استاد صاعد گاه گاه در این حاشیه و آن حاشیه نتوانستم با برخی از اصطلاحاتی که در متن به کار رفته اند و با پاره ای از تحلیل ها و تعلیل سازگاری صد در صد داشته باشم ، البته با آگاهی و شناختی که از منش علمی استاد دارم میدانم که این تذکر بر جبین نجیب ایشان چینی پدید نمی آرد .

هنگامیکه به جناب استاد صاعد می اندیشم سیمای فروغناک کوهمردی در نظرم به جلوه می آید که عمری دانش اندوخته ، که عمری بر او ستم روا داشته شده ، که عمری با ستمگران رزمیده ، نعش های خونفشان شهیدانی از دودمان گرامی خویش را بر دوش خاطرات خود دارد ، آرمانهای والا و

بزرگش برای پیروزی و بهروزی مردم برآورده نشده ، دوستان مردم را در خاک دیده و دشمنان میهن را در کاخ و اینک غبار هشتاد سالگی بر سر و رویش نشسته و اکنون هم بیمار است و هم کشور خویش را دست خوش آزمندی و مزدور منشی گروهی نامردم می بیند، آن کدامین دل سخت تر از خارا خواهد بود که به یاد مردی چنین والا و سر نوشتی چنین تلخ، لبریز از اندوهی جانگداز نشود .

همه در برابر استاد صاعد به پا بر می خیزیم ، همه در برابر استاد صاعد سر تعظیم فرود می آریم .
سر تعظیم فرود می آریم در برابر مردی که هیچگاه به اورنگ نشینان باج و خراج نپرداخت .

واصف باختری

بیستم سرطان ۱۳۸۸ (جولای ۲۰۰۹)

لاس انجلس